

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ اپریل ۲۰۲۱

یکی از نتایج جنگ لفظی بین "ربانی" و "عطاء"!

جمعه - ۲۷ حمل ۱۴۰۰ - کابل: یکی از خبر های ظاهراً نچندان مهم روز گذشته، کشته شدن یک تن از قومندانان جمعیت اسلامی به نام "سلطان محمد" معروف به "حاجی قند" در عرض راه کابل پروان بود.

هرچند در کشوری که روزانه ده ها و گاهی صد ها تن به ضرب گلوله این و آن از دولت دست نشانده گرفته تا بادرانش و از طالب و داعش گرفته، تا خس دزدان و لگردد کشته می شوند کشته شدن یک تن ارزش خبری زیادی ندارد، مگر هرگاه قضیه ترور "حاجی قند" از نزدیک مورد مذاقه قرار گیرد، می تواند اهمیت بسزائی داشته باشد. در یادداشت امروز مکت فشرده ای در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- از آن جایی که فعلاً ساطور ترور و ماشین جنایت و آدمکشی طالب نسبت به سایر رقباء فعالتر عمل می کند، مسلم است که اولین آدرس قاتل و یا قاتلان، طالب می باشد، یعنی برای همه بسیار ساده است که با متهم ساختن طالب، واقعیت قضیه را از انظار بپوشانند.

۲- از آن جایی که اکثریت مطلق قومندانان جهادی، در پناه این و یا آن تنظیم جهادی و با تکیه بر دار دسته هائی که در کنار و یا عقب شان داشتند، در طول سالهای متوالی دست به جنایات عدیده زده و در سرتاسر افغانستان دشمنان شخصی فراوانی دارند، این که حاجی قند را یک تن از دشمنان شخصی حتماً رقبایش ترور نموده باشد، نیز منتفی نمی باشد. این دشمنان و یا رقبای شخصی خوب می دانند که زدن و کشتن یک قومندان در محل قدرتش یعنی ولایت پروان کار ساده ای نیست اما زدن چنان فردی در عرض راه علی رغم برخورداری از حمایت چند محافظ امریست نسبتاً ساده و بدون هزینه.

۳- تضادی که در سطوح پائین و متوسط بین بین افراد و قومندانهای جمعیت با طالب وجود دارد، آنقدر عمیق است که هرکدام وقتی دستش به زدن طرف مقابل برسد، دریغ نخواهد و رزید، از این رو وقتی ترور "حاجی قند" به طالب نسبت داده می شود، چه آنها عمل کرده باشند چه نکرده باشند، می تواند قابل قبول واقع شود.

۴- تضاد های عمیقی که بین جمعیت اسلامی و باند "گلبدین" وجود دارد و قومندانهای جمعیت من جمله "حاجی قند" در زمان سلطه شان در پروان تا توانسته اند افراد باند "گلبدین" را به قتل رسانیده اند، اکنون که به اساس گزارش ها، باند "گلبدین" دوباره در دند کوه دامن جان گرفته، و در زیر بیرق طالب، برخی از ترور های هدفمند را نیز در درون کابل و حوالی آن انجام می دهند، می تواند در یک حرکت انتقامی از جانب افراد باند "گلبدین" صورت گرفته باشد.

۵- آنچه از تمام اینها مهمتر و مرگبار تر است و می تواند به مثابه سرآغاز یک کشتار متداوم به شمار آید، کشته شدن "حاجی" قند از جانب طرفداران "صلاح الدین ربانی" است.

با در نظرداشت این که طرفداران جناح "ربانی" در کوهدامن قبلاً "عطاء" و طرفدارانش را تهدید نموده بودند که هرگاه دوباره به "ربانی" تمکین نکنند و دست وی را نبوسند می باید برای مسافرت بین کابل و مزار همیشه بر طیاره سوار شوند، و با در نظرداشت این که "حاجی قند" به "عطاء" بیعت نموده بود و نامبرده وی را چشم و چراغ جناح خود در دند کوهدامن می دانست، می تواند این قتل به وسیله افراد جمعیتی هوادار "ربانی" که تعدادشان در کوهدامن نسبت به جناح های رقیب بیشتر است، صورت گرفته باشد.

هموطنان گرامی!

بحث من در این مورد بدین خاطر نیست که گویا در مرگ یک جنگسالار جنایتکار زانوی غم در بغل گرفته، عزاداری نمایم آنچه برای من مهم است، هرگاه واقعاً "حاجی قند" را رقبای جمعیتی اش به قتل رسانده باشند، این قتل می تواند سرآغاز قتل های دیگری بگردد که بیش از ۱۰۰ ها قربانی از خود باقی خواهد گذاشت.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!